

بررسی مبانی فلسفه اخلاق سودگرایانه در سازمان (مقایسه نظام اخلاقی سودگرایانه با منشور اخلاقی جهانی سازمان)

مهدی محمدرضایی^۱

محمد محمدرضایی^۲

چکیده

نوشتر حاضر بر آن است تا مبانی فلسفه اخلاق سودگرایانه را در سازمان مورد نقد و بررسی قرار دهد. ابتدا به نقش اخلاق در زندگی مخصوصاً در سازمان، سپس به مبانی و ارکان نظام اخلاقی سودگرایانه اشاره شده است. سه قرائت مهم و اساسی از نظام اخلاقی سودگرایانه یعنی قرائت «جرمی بنتام» و «جان استوارت میل» و «پیتر سینگر» مورد نقد و بررسی قرار گرفته و روشن شده که هر سه قرائت از اشکالات اساسی و مهمی برخوردارند. در ادامه به اصول منشور اخلاقی جهانی سازمان که عبارتند از: ۱. اصل امانت ۲. اصل مالکیت ۳. اصل اعتبار ۴. اصل شفافیت ۵. اصل منزلت ۶. اصل انصاف ۷. اصل شهروندی و ۸. اصل حساسیت، به طور مختصر اشاره گردیده و در نهایت در مقایسه نظام اخلاقی سودگرایانه با منشور اخلاقی جهان این نتیجه به دست آمد: سازمان نمی تواند در عین اعتقاد به نظام اخلاق سودگرایانه، به رعایت منشور اخلاقی جهانی پایبند باشد؛ زیرا به پرستش منشور اخلاقی جهانی و نسبت گرایی اخلاقی منجر خواهد شد. که اولی ناسازگار با سودگرایی و دومی ناسازگار با منشور اخلاقی جهانی می باشد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، سودگرایی، سازمان، منشور اخلاقی جهانی، فلسفه اخلاق، جان استوارت میل، جرمی بنتام، پیتر سینگر.

۱. کارشناس ارشد مدیریت پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲. استاد گروه فلسفه دین و فلسفه اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران

طرح مسأله

اخلاق در زندگی انسان از جمله رفتار در سازمان بسیار تأثیرگذار است، انجام هر فعلی حاکی از یک دیدگاه اخلاقی است. فعل اخلاقی، عمل مختارانه انسان است که قابلیت مدح و ذم را دارد.

دیدگاه‌های اخلاقی حاکم بر سازمان می‌تواند از نوع اخلاق تکلیف‌گرایانه و یا غایت‌گرایانه باشد. هر نوع سازمانی، می‌تواند برای خود یک نوع نگرش اخلاقی را برگزیند، طبعاً با پذیرش آن تمام حرکات و سکنات مدیران مجموعه سازمان تحت الشعاع آن نگرش اخلاقی است. امروزه به نقش اخلاق در سازمان بیش از گذشته توجه شده است، و حتی جهت اداره بهتر سازمان، منشور اخلاقی جهانی وضع نموده‌اند.

ارکان و اصول منشور اخلاقی سازمان‌ها عبارتند از:

۱. اصل امانت ۲. اصل مالکیت ۳. اصل اعتبار و اعتماد ۴. اصل شفافیت ۵. اصل منزلت ۶. اصل انصاف ۷. اصل شهروندی ۸. اصل حساسیت متقابل.

این مقال بر آن است که اخلاق سودگرایانه را که امروزه در بسیاری از سازمان‌ها حاکم است مورد نقد و بررسی قرار دهد، سپس منشور اخلاقی جهانی سازمان، با اخلاق سودگرایانه مورد مقایسه قرار داده تا روشن گردد که آیا می‌توان در زمان واحد به هر دو آنها معتقد بود؟ فرضیه تحقیق، آن است که اخلاق سودگرایانه به منشور اخلاقی جهانی سازمان به عنوان ابزاری برای سود بیشتر می‌نگرد.

سودگرایی اخلاقی

اخلاق سودگرایانه، شکل پیشرفته خودگرایی اخلاقی^۱ است. خودگرایی اخلاقی می‌گوید: هر کسی به گونه‌ای عمل می‌کند که نفع یا خیر و رفاه شخصی خود را تأمین کند. (پالمر، ۱۳۸۵، ص ۸۲) اینک به دیدگاه‌های اختصاصی بنتام و میل اشاره می‌نماییم، زیرا دیدگاه‌های این دو فرد، حاکم بر سودگرایی است.

۱. نظریه اخلاقی سودگرایانه بنتام

نظریه اخلاقی بنتام علاوه بر سه ویژگی کلی سودگرایی، یعنی ۱. نتیجه‌گرا بودن، ۲. پیروی از اصل سود و ۳. اعتقاد به ارزش ذاتی سود و خوشی، شش ویژگی اساسی دارد که به صورت خلاصه آنها را مطرح می‌نماییم:

۱. لذت‌گرایانه است: بنتام معتقد است که لذت تنها خیر و درد تنها شر است. از این رو تنها چیزی که فی نفسه یا ذاتاً خوب و خیر است، لذت می‌باشد و خیرهای دیگر، نظیر علم، زیبایی،

ثروت و صداقت، عفو، بدان دلیل خیر هستند که به عنوان وسیله‌ای برای کسب لذت به کار گرفته شوند، یعنی خیریت آنها، ابزاری است نه ذاتی. بنابراین ارزش اخلاقی یک عمل، متناسب با لذتی است که آن، ایجاد می‌کند. با توجه به دیدگاه بنتام در باب لذت، می‌توان اصل سود را متناسب با دیدگاه او چنین مطرح کرد:

در صورتی عمل از لحاظ اخلاقی درست است که لذت ایجاد کند (یا مانع الم شود) و در صورتی به لحاظ اخلاقی خطا است که الم ایجاد کند (یا مانع لذت شود).

(Bentham, 1982: p12)

۲. نظریه اخلاقی بنتام مبتنی بر نظریه انگیزه انسانی موسوم به خودگرایی روان‌شناختی است، یعنی هر کسی به خاطر لذت خود عمل می‌کند نه لذت دیگران. به لحاظ روان‌شناختی برای فرد امکان ندارد که حقیقتاً نوع دوست باشد و منافع دیگران را مقدم بر منافع خود قرار دهد. ۳. نظریه اخلاقی بنتام شکلی از سودگرایی عمل‌نگر است. بنتام اصل سود را مستقیماً در مورد هر عمل خاص به کار می‌برد و آن هم از طریق محاسبه نتایج لذت‌بخش خود آن عمل. ۴. بنتام شیوه‌ای از محاسبه لذت را اختراع کرده است که از طریق آن می‌توان لذت‌ها و الم‌های یک عمل را به لحاظ کمی اندازه‌گیری نمود و بعد از محاسبه حکم به صواب و خطا بودن اعمال کرد.

این شیوه محاسبه را می‌توان در هفت عنوان مطرح نمود:

۱. شدت^۱. ۲. مدت^۲. ۳. قطعیت یا یقین^۳. ۴. نزدیکی یا دوری در زمان^۴. ۵. بارآوری^۵. ۶. خلوص^۶. ۷. گستردگی^۷. (Bentham, 1982: p38)

هر عملی که این هفت عنوان در آن بیشتر غلبه داشته باشد، از لحاظ اخلاقی بهتر است. ۵. ویژگی دیگر نظریه اخلاقی بنتام آن است که به کمیت لذت اهمیت می‌دهد، یعنی به نظر او بیشترین خیر برای بیشترین افراد اهمیت دارد که معنای بیشترین در اینجا کمیت است نه کیفیت.

۶. آخرین ویژگی اخلاق سودگرایانه بنتام آن است که چهار ضمانت اجرایی دارد که ما را تشویق می‌کند که در مورد نفع و سعادت افراد دیگر فکر کنیم نه فقط برای سعادت خود. این چهار ضمانت اجرایی، مجازات‌ها یا تهدیدهایی هستند که شما را وامی‌دارد که در مسیر سعادت

-
1. Intensity
 2. Duration
 3. Certainty
 4. Nearness in Time
 5. Fecundity
 6. Purity
 7. Extent

افراد دیگر گام بردارید که عبارتند از:

الف. مجازات‌های طبیعی و فیزیکی: برای مثال اگر شما علاقه به مواد مخدر یا مشروبات الکلی دارید، مصرف آنها، منتهی به امراض جسمانی می‌شود که برای رفع آن امراض باید دست از آنها بکشید.

ب. مجازات سیاسی: قانون شما را ملزم به انجام کاری می‌کند و در صورت مخالفت، شما را مجازات می‌کند.

ج. مجازات‌های عمومی و عرفی

د. مجازات‌های دینی (پالمر، ۱۳۸۵: ص ۱۲۹؛ هولمز، ۱۳۸۵: ص ۲۷۰؛ Bentham, 1982: p,39; Stewart, 2009: p,15)

نقد و بررسی

به نظر می‌رسد که هر شش ویژگی نظریه اخلاقی سودگرایانه بنتام با اشکالات اساسی مواجه است.

۱. اشکالات لذت‌گرایی: یکی دانستن خیر و لذت، بر خلاف فهم متعارف مردم است. چه بسیار کارهایی که می‌تواند به لذت منتهی شود، ولی متعارف مردم آن را تقبیح می‌کنند. علاوه بر آن، موارد فراوانی وجود دارد که افراد، لذت خود را برای هنر، خدا، تکلیف اخلاقی و نیز برای منافع عمومی و کشورشان قربانی می‌کنند و دیگر باقی نیست تا از عمل خود لذت ببرند.
۲. اشکال خودگرایی روان‌شناختی، یک ادعای شتابزده در مورد یک واقعیت خارجی است که اثبات آن کار بسیار مشکلی است.

اشکالات سودگرایی عمل‌نگر

الف. محاسبه نتیجه لذت‌بخش برخی از اعمال کار بسیار مشکلی است، زیرا تأثیر و تأثر اعمال بر همدیگر از حوزه پیش‌بینی انسان خارج است. بنابراین بسیاری از پشیمانی‌ها، نتیجه همین عدم دقت در محاسبه نتیجه عمل است.

ب. سودگرایی عمل‌نگر به اعمال بسیار ظالمانه‌ای منتهی خواهد شد. مواردی را در نظر بگیرید که برای نیل به بیشترین سود و لذت لازم است، حقوق برخی از افراد نقض شود یا اموال برخی از افراد دزدیده شود یا اقلیتی به بردگی گرفته شوند. نظریه اخلاقی که ارتکاب چنین اعمالی را توجیه نماید، مورد قبول متعارف مردم واقع نمی‌شود، زیرا آنها حداقل به پاره‌ای از حقوق اساسی افراد احترام می‌گذارند.

اشکالات در محاسبه لذت

بنتام، لذت‌ها را به گونه‌ای تصویر می‌کند که به لحاظ کمی قابل شمارش و اندازه‌گیری هستند، در صورتی که محاسبه لذت‌ها امری غیرممکن است، برخی از لذت‌های کیفی مانند

عشق، علم‌آموزی و نگاه به یک تابلوی زیبا و ... به لحاظ کمی قابل اندازه‌گیری نیستند. حتی مقایسه لذت‌ها بر مبنای کمی محال به نظر می‌رسد. برای مثال چگونه می‌توان شدت لذت از نوشیدن یک نوشابه سرد را با مدت نگاه به شفق یا آبشار زیبا به لحاظ کمی مقایسه نمود. بعلاوه برخی از دردها توأم با لذت و برخی از لذت‌ها توأم با درد هستند چگونه می‌توان جمع و تفریق نمود. نتیجه آن که اندازه‌گیری لذت‌های متنوع که هر کدام مقیاس خاص خود را می‌طلبد و بعضاً مقیاسی هم در این موارد وجود ندارد تقریباً امری غیرممکن است.

اشکالات کمی بودن لذت

از نظر بنتام، هدف، نیل به لذت است و چگونگی به دست آوردن آن مهم نیست. می‌تواند از راه‌های اعمال خلاف و تضییع حقوق مردم باشد، البته به شرطی که شما از طریق آنها بیشترین کمیت لذت را به دست آورید. حال سؤال این است که انسان غیر از غرایز حیوانی بُعد متعالی دارد، نظیر علم‌آموزی، زیبادوستی، میل به هنر و خلاقیت و میل به عبادت که ارضای آنها می‌تواند مطلوب باشد هرچند که به لحاظ کمی نسبت به غرایز حیوانی، احساس لذت‌بخش کمتری داشته باشد. بنابراین، برای انسان تنها کمیت لذت مطلوب نیست، بلکه کیفیت لذت نیز از اهمیت برخوردار است. به تعبیر جان استوارت میل، بهتر آن است که انسانی ناخشنود باشیم تا خوکی خشنود. بهتر آن است که سقراطی ناخرسند باشیم تا احمقی خرسند.

۶. اشکال مجازات‌ها: مجازات‌ها تنها به عنوان یک انگیزه و اعمال فشار عمل می‌کنند نه اینکه بتوانند توجیه‌بخش سودگرایی باشند. شما نمی‌توانید با مجازات‌ها و تهدیدهای متنوع یک نظریه را اثبات نمایید، بلکه باید به لحاظ عقلی و با برهان و استدلال آن را اثبات کرد. ممکن است به زور و تهدید به کسی بگویید که $2+2=5$ می‌شود، اما چنین تهدیدی نمی‌تواند حقانیت آن را اثبات نماید. بنابراین مجازات‌ها ممکن است افراد را وادارند که به نفع مردم فعالیت کنند ولی آنها هیچ‌گاه قادر نیستند که حقانیت نظریه سودگرایی را اثبات نمایند.

۲. نظریه اخلاقی سودگرایانه میل

جان استوارت میل، به جهت انتقادات شدید علیه سودگرایی بنتام بر آن شد که با برخی از اصلاحات و تغییرات از سودگرایی دفاع نماید. او چهار تغییر عمده در سودگرایی به عمل آورد:

۱. او با تمایزی که بین لذت‌های برتر و فروتر به عمل آورد، کیفیت لذت را به کمیت لذت اضافه نمود تا از اتهام فلسفه خوک‌صفتانه به نظریه اخلاقی بنتام جلوگیری کند.
۲. او سودگرایی عمل‌نگر بنتام را که بر اساس آن، اصل سود در مورد هر عملی به نحو مجزا به کار برده می‌شد به سودگرایی قاعده‌نگر تغییر داد که به موجب آن، این قاعده‌ها هستند که بر انواع عمل حاکمند و اصل سود در مورد این قاعده‌ها به کار می‌رود.
۳. او محاسبه لذت را کنار گذاشت، زیرا عملاً کارآمد نبود.

۴. او بر خلاف بنتام که اصل سود و لذت را به صورت بدیهی پذیرفته بود، سعی نمود که حقیقت آن را برای همه اثبات نماید. (فرانکنا، ۱۳۸۰: ص ۸۹؛ پالمر، ۱۳۸۵: ص ۱۲۹؛ Stewart, Mill, 1948: p, 11; 2009: p, 23)

توضیح و نقد

اینک این چهار تغییر عمده میل را به صورت مختصر مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم:

۱. تمایز بین لذت‌های برتر و فروتر

میل با طرح این تمایز، بر لذت‌های برتر توجه بیشتری کرد. لذت‌های کیفی برتر، لذت‌هایی هستند که از جنبه عقلانی و روحانی انسان حاصل می‌شوند، نظیر لذت‌های حاصل از شعر، هنر، فلسفه و موسیقی و عبادت. و لذت‌های فروتر، لذت‌هایی هستند که از طبایع حیوانی و جسمانی انسان حاصل می‌شوند، نظیر خوردن و مسایل جنسی. به نظر بنتام میان لذت‌ها فرقی نیست. به نظر میل، کیفیت برتر لذت نظیر پرداختن به هنر جبران کمیت بیشتر لذت‌های فروتر را می‌کند. به تعبیری، میل، سودگرایی را بر جنبه شرافت انسانی مبتنی کرد تا بر جنبه پست‌تر، یعنی ناخرسندی عقلانی بهتر از خرسندی احمقانه است، بهتر است انسانی ناخشنود باشیم تا خوکی خشنود. (Mill, 1948: p, 22)

ارزیابی نقادانه

میل با تمایز میان لذت‌های فروتر و برتر، با سه معضل اساسی مواجه شد:

الف. او لذت‌گرایی را کنار گذاشت ب. محاسبه لذت را سخت‌تر کرد. ج. قضاوت بین لذت‌های برتر و فروتر را غیرممکن ساخت.

الف. ترک لذت‌گرایی: اگر معیار سودگرایی آن است که خیر و لذت را برابر می‌داند، چگونه امکان دارد که شما لذت کمتر را بر لذت بیشتر ترجیح دهید؟ تنها راه توجیه این مسئله تمسک به معیار «ارزش» به جای لذت است که جبران لذت فروتر را می‌کند، مانند ارزش‌هایی که در لذت‌های برتر نظیر خلاقیت‌های هنری وجود دارد. اما اگر لذت‌گرایی تنها معیار قضاوت در مورد انتخاب اعمال است، طرح معیار ارزش برای توجیه لذت‌های کیفی ناسازگار با آن است. فرض کنید معیار شما برای قضاوت و انتخاب میان آتش‌ها، مقدار گرمایی است که آنها تولید می‌کنند. در ادامه شما آتش ذغال سنگ را بر آتش الکتریکی ترجیح می‌دهید هرچند که حرارت و گرمای کمتری نیز تولید کند. به نظر می‌رسد که تنها راه توجیه چنین انتخابی، توسل به معیاری متفاوت از مقدار گرما است، برای مثال معیارهایی نظیر شعله قشنگ آن که به لحاظ زیباشناختی ارزشمند است یا قیمت ارزان آن که به لحاظ اقتصادی به صرفه است. در اینجا، معیار اولیه قضاوت که مقدار گرما بود کنار گذاشته شد و معیاری متفاوت از آن نظیر زیبایی یا اقتصاد مورد قضاوت قرار گرفته است که ناسازگار با معیار اولیه است. بنابراین توجه به کیفیت لذت‌های برتر ناسازگار با

لذت‌گرایی است.

ب. سخت‌تر شدن محاسبه: محاسبه لذت‌ها به نحو کمی بسیار سخت و شاید غیرممکن بود. حال آن که تنها یک معیار برای محاسبه لذت‌ها وجود داشت. اما اگر دو معیار یا بیشتر برای سنجش لذت‌های برتر و فروتر به کار گیریم، محاسبه لذت‌ها بسیار سخت‌تر خواهد شد زیرا از یک سنخ نبوده و زبان مشترک نیز ندارند. شما چگونه می‌توانید لذتی را که از یک اثر هنری یا عبادت به دست می‌آورد با لذت خوردن یک غذا مقایسه نمایید.

ج. غیرممکن بودن تصمیم‌گیری بین لذت‌های برتر و فروتر: تشخیص لذت‌های برتر از لذت‌های فروتر، کاری بسیار مشکل است. زیرا آرای انسان‌ها در باب چپستی لذت‌های برتر و فروتر متفاوت است و این که بتوان در این زمینه به توافقی عام نایل شد، باز بسیار سخت است. میل برای تمایز آنها، معیار «داوران شایسته»^۱ را پیشنهاد می‌کند یعنی متخصصانی که تجربه گسترده‌ای در هر دو لذت دارند. اگر اکثریت آنها یک لذت را برتر بدانند، آن لذت کیفی است. نظرسنجی میان این داوران، نشان می‌دهد که آنها همواره لذت‌های عقلانی را بر لذت‌های به اصطلاح فروتر ترجیح می‌دهند.

اما انتخاب معیار داوران شایسته دارای اشکالاتی است:

۱. عقیده اکثریت حتی در میان متخصصان نمی‌تواند عملی را از لحاظ عقل صواب کند، همان گونه که نمی‌تواند موجب صدق تجربی یک نظریه علمی شود.
۲. با توجه به تنوع ذوق‌ها و سلیق، افراد بسیار کمی یافت می‌شوند که همه انواع لذت‌ها را اعم از جسمانی و معنوی تجربه کرده باشند، سپس به شایستگی داوری نمایند. در صورت چنین افرادی، ما شناخت کافی نسبت به آنها نداریم.
۳. ممکن است این داوران اشتباه کنند، از این رو ما نیازمند معیاری هستیم که بر اساس آن صحت و سقم نظرات داوران را با آن بسنجیم و یا این که در برهه‌ای از زمان ممکن است آنها به لذت‌های فروتر گرایش پیدا کنند. بنابراین، انتخاب آنها ملاک درستی نیست.

(stewart, 2009: p,24)

۲. سودگرایی قاعده‌نگر میل

میل آگاه بود که سودگرایی عمل‌نگر بنتام با دو مشکل اساسی مواجه است: ۱. از آنجا که چنین نظریه اخلاقی بر اساس نتایج لذت‌بخش اعمال، حکم به خوبی و بدی می‌دهد، مستلزم پذیرش اعمال اخلاقاً شرم‌آوری می‌شود، از قبیل دزدی، نقض حقوق مردم و یا برده‌داری و تبعیض نژادی ۲. از آنجا که چنین نظریه اخلاقی، سود و الم هر عملی را به طور خاص بر اساس

معیارهای هفت گانه مورد محاسبه قرار می دهد، در برخی اعمال، محاسبه بسیار سخت و حتی غیرممکن می شود.

میل برای رفع این مشکلات، سودگرایی قاعده نگر را پیشنهاد داد که بر اساس آن، اصل سود و لذت در مورد قواعد به کار می رود که جامعه الزام کرده است و به طور غیرمستقیم در مورد اعمال به کار برده می شود. مثلاً ما با توسل به یک قاعده مانند قاعده راست گویی تعیین می کنیم که در موارد جزئی چه کنیم، یعنی این قاعده، بیشترین سود و خیر عمومی را برای هر کس فراهم می کند. به تعبیری، اگر ما به قاعده راست گویی عمل کنیم، در بلندمدت، سود و نفع بیشتری نصیب ما می شود، هرچند که ممکن است به کار گیری این قاعده در مورد یک عمل خاص به بهترین نتیجه منجر نشود. بنابراین، لذت و نفعی که از تبعیت قواعد نصیب انسان ها می شود، بیشتر از لذت کوتاه مدتی است که از نقض آنها حاصل می شود.

سودگرایی قاعده نگر، عاری از اشکالات فوق است: ۱. چون در گذشته صحت و سقم قواعد در جامعه ارزیابی شده است و از محل سود، موفق بیرون آمده اند، دیگر نیازمند محاسبه نتایج هر عمل خاص نیست. بلکه با به کار گیری قواعد، به سرعت می توان در مورد انجام آن عمل تصمیم بگیرد. ۲. شما با به کار گیری سودگرایی قاعده نگر می توانید از ارتکاب اعمال شنیع و ظالمانه خودداری کنید، زیرا انجام چنین اعمالی مستلزم نقض قواعد اجتماعی خوبند که قبلاً از آزمون اصل سود و لذت، موفق بیرون آمده اند. بنابراین بر اساس اصل سود، باید از قواعد مثل کمک به دیگران و اصل انصاف و دزدی نکردن و راست گویی تبعیت شود؛ نقض این اصول هرچند در کوتاه مدت ممکن است لذت هایی را در پی داشته باشد، ولی در بلندمدت مشکلات زیادی را به بار می آورد و منتهی به هرج و مرج و قانون جنگل در جامعه می شود (Norman, 1998: p,92).

نقد و بررسی

هرچند سودگرایی قاعده نگر مزایایی دارد که سودگرایی عمل نگر فاقد آن بود، ولی خود مشکلات دیگری به بار آورد که عبارتند از:

الف. مشکل نسبت گرایی

با توجه به این که در کشورهای مختلف، قواعد و ضوابط متفاوت و در بعضی مواقع قواعد زشت و زنده و گهگاه متناقض حکم فرماست، مدافع سودگرایی قاعده نگر چه موضعی می تواند اتخاذ کند؟ برای مثال در یک جامعه که قواعد حاکم بر آن تبعیض نژادی و برده داری نوین و استثمار طبقه تهی دست را به رسمیت می شناسد، بر اساس چنین نظریه اخلاقی، چنین اعمالی موجه هستند و سودگرایی قاعده نگر نمی تواند از چنین اعمالی انتقاد کند.

همچنین ممکن است در جامعه دیگر، قواعدی متعارض با آنها وجود داشته باشد البته با

فرض آن که همه آنها از محک اصل سود و لذت موفق بیرون آمده‌اند، بنابراین ارزش‌های اخلاقی در جوامع مختلف، نسبی خواهد شد و مدافعان چنین نظریه اخلاقی‌ای، نمی‌توانند هیچ انتقادی علیه اعمال ظالمانه و شنیع داشته باشند، زیرا قواعد حاکم بر آنها مطابق اصل سود و لذت بوده است. هر نظریه اخلاقی‌ای که نتواند چنین اعمالی را محکوم کند، عملاً غیرقابل پذیرش خواهد بود.

ب. مشکل پرستش قانون

سودگرایی قاعده‌نگر در نهایت از سودگرایی و اصل لذت و سود به کلی دست کشیده و به عوض از یک رفتار غیرسودگرایانه، یعنی از پرستش قوانین تبعیت می‌کند. سودگرایی قاعده‌نگر، به این دلیل از قوانین پیروی می‌نماید که آنها صرفاً مورد توافق افراد یک جامعه هستند نه به دلیل آن که به بیشترین لذت و نفع و سود منتهی می‌شوند. اصرار بر عدم نقض یک قانون در جامعه مثلاً دزدی نکردن، هرچند به لذت و نفع شخصی منتهی شود، در واقع انکار ارزش‌های سودگرایانه خود آن شخص است، یعنی به عوض پیروی از اصل سود و لذت صرفاً از قوانین تبعیت می‌نماید، هرچند به ضرر او بینجامد.

اگر نقض یک قانون، منتهی به هرج و مرج نشود و در عوض سودگرا از آن سود زیادی ببرد، در آن صورت چرا قانون نقض نشود؟ مثلاً در یک صبح زود من سودگرا قوانین راهنمایی را نقض کنم، مثلاً از چراغ قرمز رد شوم و کس دیگری هم نباشد که عمل من برای او بدآموزی داشته باشد، یعنی او به بی‌قانونی تشویق شود. من هم به هیچ کسی نگویم و نیز عذاب وجدان هم پیدا نکنم، در آن صورت چرا قانون نقض نشود؟

سودگرایی قاعده‌نگر که مبتنی بر اصل سود است، چرا از اصل سود تبعیت نمی‌کند؟ اگر با این اوضاع و شرایط باز یک سودگرای قاعده‌نگر، اصرار بر تبعیت از قانون داشته باشد، معلوم می‌شود دیگر ملاک او اصل سود نیست، بلکه صرفاً پرستش و پیروی صرف از قوانین است.

۳. انکار محاسبه لذت

دو تغییری که میل از سودگرایی بتنام به عمل آورد، طبیعتاً منتهی به این امر شد که میل محاسبه لذت‌گرایانه را انکار نماید: ۱. سودگرایی قاعده‌نگر نیازی ندید که لذت‌های برآمده از نتایج هر عمل را محاسبه نماید، بنابراین محاسبه لذت‌گرایانه یک امر زاید و بی‌ثمر گردید. ۲. تأکید بر کیفیت در لذت‌های برتر و فروتر، محاسبه لذت و نیز مقایسه بین آنها را عملاً غیرممکن ساخت. (Stewart, 2009: p,30)

نقد و بررسی

ادعای طرفداران سودگرایی آن بود که چنین نظریه اخلاقی‌ای یک راهبرد واقع‌گرایانه به اخلاق دارد و آن محاسبه لذت است. اما در نهایت کار به آنجا کشیده شد که محاسبه لذت در

سودگرایی قاعده‌نگر، غیرکارآمد گردید و نیز در چنین نظریه‌ای، در نهایت بر عناصری غیر از لذت تأکید شد. بنابراین عنصر محوری در سودگرایی، مورد غفلت قرار گرفت. استدلال میل بر اصل سود چون ارتباط نزدیک با بحث این مقاله ندارد از بیان آن خودداری می‌کنیم.

اما در پایان بحث سودگرایی به سودگرایی ترجیح نیز اشاره می‌نماییم که در اخلاق سازمان می‌تواند تأثیرگذار باشد.

۳. سودگرایی ترجیح^۱

یکی دیگر از قرائت‌های سودگرایی، سودگرایی ترجیح است. امروزه مشهورترین سودگرایی ترجیح از آن فیلسوف استرالیایی به نام پیتر سینگر (۱۹۴۶-) (استاد مشهور اخلاق زیستی از دانشگاه پرینستون است. در این شکل از سودگرایی عمل شما بر اساس این قاعده است: بیشترین تعداد ترجیح‌ها برای بیشترین تعداد مردم.

شما به عوض محاسبه لذت و المی که ممکن است از عمل شما ناشی شود و به عوض کوشش برای تمایز بین لذت‌های برتر و فروتر که از قرار معلوم کارهای ناممکنی بود. همه کاری که انجام می‌دهید، کشف آن چیزی است که اکثر مردم رخداده آن را ترجیح داده و سپس عمل می‌کنند. در آن صورت سعادت، عبادت است از برآوردن ترجیحات مردم اعم از این که آنها برای لذت یا ارزش‌های دیگر نظیر معرفت، زیبایی و آزادی و تمکن مالی باشند. (Stewart, 2009: p,33)

مزایای این نوع سودگرایی

این نوع سودگرایی نسبت به قرائت‌های دیگر از مزایایی برخوردار است که عبارتند از:

۱. این نوع سودگرایی معضل محاسبه لذت را حل می‌نماید، زیرا بسیار آسان است که از مردم سؤال شود که آنها چه چیزی را ترجیح می‌دهند.
۲. از آنجا که بهترین داور در مورد این که چه چیزی مردم را خوشحال و خشنود می‌سازد، خود آنها هستند. سودگرایی ترجیح با شنیدن این که مردم چه چیزی را ترجیح می‌دهند، بهتر از روایت‌های دیگر سودگرایی می‌تواند در مورد دیگران تصمیم بگیرد و به نفع آنها فعالیت کند.
۳. این نوع سودگرایی، بسیار دموکراتیک است زیرا مردم را تشویق می‌کند که از جانب خود حرف بزنند و نیز از جانب خود اعلام نمایند که از چه چیزی لذت برده یا آن را ترجیح می‌دهند. بنابراین این نوع سودگرایی، تعیین انتخاب نظر را به خود مردم واگذار کرده است.

نقد و بررسی

سودگرایی ترجیح هرچند دارای مزایایی است، ولی با مشکلاتی نیز مواجه است که عبارتند از:

۱. همواره چنین نیست که شما بدانید مردم چه چیزی را ترجیح می‌دهند، زیرا اکثر اوقات سؤال کردن یا رأی گیری از آنها عملی نیست. بنابراین آگاهی از ترجیحات مردم ممکن نیست. ۲. در این سودگرایی روشن نیست که آیا ترجیحات کنونی افراد را به حساب آوریم یا آنچه را که اگر همه واقعیات را بدانند ترجیح خواهند داد. مردم ممکن است ترجیحات نادرست و خطرناکی، نظیر مصرف غذاهای چرب، مشروبات الکلی، مواد مخدر و استعمال دخانیات و ... داشته باشند. شما اگر ترجیحات کنونی افراد را در نظر بگیرید، یعنی آنچه را که آنها در حال حاضر می‌خواهند، برآورده ساخته یا انجام دهید، در آینده به رنج‌ها و مشکلات بلندمدت مبتلا خواهند شد.

۳. اگر شما ترجیحاتی را در نظر بگیرید که اگر افراد عاقل‌تر و عالم‌تر شوند آنها را انتخاب می‌کنند نه ترجیحات فعلی آنها را، در آن صورت با دو مشکل مواجه می‌شوید:
الف) شما اکنون آنها را ناخشنود ساخته‌اید.

ب) شما به جای افراد انتخاب کرده‌اید، زیرا شما تشخیص داده‌اید که اگر آنها عاقل‌تر شوند ترجیح خاصی را برمی‌گزینند و از این رو، همان ترجیح را به حساب آورده‌اید، در نتیجه به خودمختاری و آزادی آنها احترام نگذاشته‌اید.

۴. برخی از مردم در وضعیتی نیستند که بتوانند ترجیح خود را اظهار نمایند، مانند بچه‌ها و بیماران و یا افرادی که در جامعه استبدادی زندگی می‌کنند، در آن صورت آگاهی از ترجیحات مردم با مشکل مواجه است.

۵. اگر اکثریت یک جامعه، استثمار سیاه پوستان یا زنان یا اعمال زشت دیگری را ترجیح دهند، سودگرایی ترجیح چگونه تسلیم خواسته آنها خواهد شد.

مقایسه اخلاق سودگرایانه و معیارهای جهانی منشور اخلاقی

در این مقایسه بر آنیم که آیا با حفظ مبانی اخلاق سودگرایانه می‌توان متعهد به منشور اخلاق جهانی بود یا این که برای تعهد به منشور اخلاق جهانی باید به نظام اخلاقی دیگری دلبسته بود.

این معیارهای جهانی را می‌توان مقدمه‌ای برای انتخاب تقریبی بهترین رویه‌های شرکت‌ها و مدیران مقام‌های عالی رتبه و کارشناسان در اصول اخلاق کسب و کار پنداشت که عبارتند از:
(pain & others, 2006, p83)

۱. اصل امانت

این اصل بدان معنا است که باید امین سازمان و افراد ذینفع باشیم و نسبت به فعالیت‌های شرکت با جدیت و وفاداری ظاهر شویم با همان صفا و اخلاصی که از یک امین انتظار می‌رود که به اختصار به برخی از مصادیق آن اشاره می‌کنیم.

۱. حفظ سلامت اقتصادی محیط کار ۲. حفاظت از منابع موجود و اطمینان یافتن از مصرف مدبرانه و اثربخش آنها ۳. برخورداری از تقدیم مسرفانه هدیه و برگزاری بیش از حد برنامه‌های سرگرمی و تفریح ۴. استفاده از جایگاه و منابع فقط برای هدف‌های مدون نه نفع شخصی ۵. پرهیز از کارهایی که متضمن تعارض منافع باشد، مثل معامله با خود یا رقابت با شرکت ۶. پرهیز از دریافت هدایای مورد دار.

۲. اصل مالکیت: احترام به مالکیت و حقوق افراد و پرهیز از انتقال اموال یا اختلاس و اسراف و ایجاد حس تعهد نسبت به منافع فیزیکی، کالبدی، مصرفی و انسانی، اساس اصل مالکیت است. به قول تالر در حیات انسان‌ها همه جا سخن از ارزش‌ها است و مهمترین ارزش‌های انسانی احترام به حقوق و حدود همدیگر است (نلر، ۱۳۷۷: ص ۲۸؛ خنیفر و مقیمی، ۱۳۸۸: ص ۲۴۹) که برخی از مصادیق آن عبارتند از: ۱. حفظ منابع شرکت، که به هیچ وجه نباید با دزدی، اختلاس و دیگر روش‌ها، منابع شرکت را حیف و میل کرد.

۲. حقوق مالکیت رقیبان را محترم شمرده و به آن بها دهیم، از جمله حقوق مالکیت معنوی آنها و ... (خنیفر و مقیمی، ۱۳۸۸: ص ۲۵)

۳. اصل اعتبار و اعتماد

واژه اعتماد معنی ویژه‌ای دارد و نوعی تقید و وفای به محیط و فلسفه وجودی انسان است چه قانون ناظر باشد و چه نباشد که برخی از مصادیق آنها عبارتند از: ۱. به عهد و قرار خود پایبند بودن ۲. تکلیف‌های آشکار و نهان خویش را نسبت به همه موکلان پاس داریم ۳. به تأمین کنندگان و شریکان خویش به موقع و طبق آن چه قرار گذاشته اید عمل نمایید و .. (همان)

۴. اصل شفافیت

این اصل به معنای انجام فعالیت‌ها به شیوه‌ای صادقانه و آشکار و بدون فریب و نیرنگ و حفظ سوابق فعالیت‌ها و فرآیند کار است. این مهم یکی از عوامل اساسی حسن سلوک افراد با هم، برای هم و به سوی اهداف اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای و سازمانی است (همان، ص ۲۵۱) که برخی از مصادیق آن عبارتند از: ۱. در همه کارها، پاسدار حقیقت و صداقت باشد ۲. داد و ستدها را دقیق و منصفانه ثبت کند. ۳. از به چنگ آوردن اطلاعات تجاری با ابزار غیراخلاقی و غیرصادقانه بپرهیزد. (ifgh,2006,p91)

۵. اصل منزلت

شأن و منزلت افراد بسیار بالاست، این اصل در پاسداری از حرمت و شأن افراد است و شامل اموری همچون تندرستی، ایمنی، حریم خصوصی و حقوق انسانی است که در پی آن بالندگی منابع انسانی محیط سازمان و بازار کار و جامعه روی می‌دهد. (pain & others,2006,p83)

برخی از مصادیق آن عبارتند از: ۱. منزلت و حقوق انسانی دیگران را محترم شمرده شود ۲. در محیط کار آزار و اذیت روا داشته نشود. ۳. در جای جای فعالیت‌ها خصوصاً در بخش سودآوری حقوق و منافع مردم پاسداری شود. ۴. حافظ تندرستی و ایمنی افراد باشید. ۵. محیط کار چنان سازماندهی شود که در آن نشانی از هیچ نوع سوء استفاده نباشد.

۶. اصل انصاف

منظور از اصل انصاف، یعنی ورود به رقابت‌های آزاد و انصفانه و احترام به همه افراد و نظرات آنها و دوری از هر گونه تبعیض در فعالیت‌های مختلف است که برخی از مصادیق آن عبارتند از: ۱. با همه طرف‌ها به انصاف برخورد شود. ۲. قیمت‌ها به گونه‌ای باشد که معقول و فراخور کیفیت باشد. ۳. برای اقلیت‌ها و زنان، فرصت برابر فراهم شود. ۴. در رفتار با کارکنان و استخدام افراد تبعیض قایل نشوید. ۵. وارد رقابت‌های آزاد و منصفانه شوید و ...

۷. اصل شهروندی

انتظار می‌رود که فرد شهروند مسئولیت‌پذیر باشد، قانون را محترم شمارد و حافظ اموال عمومی باشد. امروزه یک شهروند خوب کسی است که در هر مقام و مرتبه‌ای که باشد به سازمان‌های اخلاقی جامعه، محیط حرفه‌ای و خانواده پای‌بند است و از مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی بی‌ارزش بپرهیزد و در جامعه صاحب نقش تعیین‌کننده باشد. برخی از مصادیق آن عبارتند از: ۱. تبعیت از قانون و مقررات ۲. در پول‌شویی یا هر فعالیت غیرقانونی دیگری مانده بزه‌های سازمان‌یافته دیگر شرکت نکند. ۳. پیرو قواعد مالیاتی بوده و به موقع بدهی مالیاتی خود را بپردازد. (Lorena, 1993, p28; pain & others, 2006, p83)

۸. اصل حساسیت

حساسیت نسبت به نیازهای منابع انسانی داشتن حس همدلی و تسهیل امور مربوط در این اصل مقصود و منظور است که از جمله مصادیق آن عبارتند از: ۱. محترم شمردن درخواست‌ها، پیشنهادها، شکایت‌ها و حقوق رسمی مالکان ۲. تلاش منظم برای تأمین نظر مشتری و دادن خدمات به موقع ۳. حساس بودن به پیشنهادها، خواسته‌ها و شکایت‌های کارکنان (خنیف‌ر و مقیمی، ۱۳۸۸، ص: ۵۵-۲۴۷)

نقد و بررسی

اکنون نظام اخلاقی سودگرایانه با رعایت منشور اخلاقی جهانی سازمان مورد توجه و اشکالات آن عیان می‌گردد:

۱. افرادی که تابع اصل سود و نظام اخلاقی سودگرایانه هستند و خیر را مساوی با سود و لذت می‌دانند. اگر سود آنها با نقض این منشورهای اخلاقی تأمین شود و هیچ عواقب سویی هم نداشته باشد، چرا این قوانین رعایت گردند؟ اگر مدافع اخلاق سودگرایانه با حفظ سود و نقص این

منشورها باز در رعایت این اصول اخلاقی تأکید می‌کند، عملاً از نظام اخلاقی سودگرایانه فاصله گرفته و معیارهای دیگری که همان پرستش اصول و قوانین جهانی است سرلوحه فعالیت‌های او قرار گرفته و دیگر اصل سود برای او ملاک و معیار نیست، بلکه آنچه برای مدافع سودگرایی اهمیت دارد، تبعیت صرف از منشورهای اخلاقی است که آنها ارزش ذاتی دارند و تحت نظام اخلاقی سودگرایانه او قرار نگرفته‌اند.

۲. یکی از لوازم نظام اخلاقی سودگرایانه قاعده‌نگر، نسبت‌گرایی بود. حال چگونه امکان دارد که مدافع نظام اخلاقی سودگرایانه هم معتقد به آن نظام و هم معتقد به منشور اخلاقی جهانی باشد که ناسازگار با نسبت‌گرایی است. بنابراین مدافع اخلاق سودگرایانه نمی‌تواند در عین حال که معتقد به سودگرایی اخلاقی است، معتقد به منشور اخلاقی جهانی باشد.

نتیجه‌ای که مدافع منشور اخلاقی جهانی سازمان باید به نظام اخلاقی دیگری متعهد شود و آن چیزی جز نظام اخلاقی تکلیف‌گرایانه نمی‌تواند باشد. یعنی تکلیف او اقتضا کند که به منشور اخلاقی جهانی عمل کرده و توجهی به غایت و نتیجه عمل خود نداشته باشد. همچنین نظام اخلاقی سودگرایانه، مبتنی بر تفکر فلسفی مادی‌گرایانه است که برای انسان رسالتی جز سود و منفعت مادی قایل نیست و حال آن که در واقع زندگی انسان محدود به این دنیا نبوده بلکه زندگی جاودانه‌ای در دنیای دیگر دارد. و نیز این که جهان هستی تنها محدود به عالم ماده نبوده و هستی اعم از ماده و غیرماده می‌باشد. و اثبات ماده‌گرایی از لحاظ فلسفی، کار بسیار مشکلی است. از این رو مبانی فلسفی نظام اخلاقی سودگرایانه دارای اشکالات اساسی است.

نتیجه‌گیری

از این مقاله می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم:

۱. نظام اخلاقی سودگرایانه یکی از گرایش‌های نظام‌های اخلاقی‌ای است که سعادت را همسان با نفع و رفاه و لذت می‌داند و تمام مدعای آن این است که هر کس باید تنها در صورتی عملی را انجام دهد که آن عمل در راستای منافع او باشد. و تأمین منافع فرد به معنای بی‌توجهی به منافع دیگران نیست.

۲. اصل سود بر آن است که یک عمل در صورتی از نظر اخلاقی درست است که بیشترین خیر و سود را برای بیشترین افراد ایجاد کند.

۳. سودگرایی سه قرائت مهم دارد که عبارتند از قرائت بنتام و میل و سودگرایی ترجیح.

۴. سودگرایی بنتام علاوه بر سه ویژگی سودگرایی یعنی نتیجه‌گرا بودن و پیروی از اصل سود و اعتقاد به ارزش ذاتی سود، شش ویژگی اساسی دارد که عبارتند از: ۱. لذت‌گرایانه است ۲. مبتنی بر خودگرایی روان‌شناختی است ۳. شکلی از سودگرایی عمل‌نگر است ۴. شیوه‌ای از محاسبه لذت و سود را اختراع کرده است ۵. به کمیت لذت اهمیت می‌دهد و ۶. مجازات‌هایی را

به عنوان ضمانت اجرایی در نظر دارد .

هر شش ویژگی از اشکالات اساسی برخوردار است.

۵. سودگرایی به روایت جان استوارت میل، چهار تغییر و اصلاح اساسی در سودگرایی به عمل آورد که عبارتند از:

۱. بین لذت‌های برتر و فروتر تمایز قائل شد ۲. سودگرایی عمل‌نگر بنام را به قاعده‌نگر تبدیل کرد ۳. محاسبه لذت و سود را عملاً کنار گذاشت و ۴. اصل سود را مستدل نمود که هر چهار تغییر او باز مشکلات زیادی را بر جای گذاشت و از مهمترین آنها، پرستش قانون و نسبیّت‌گرایی است.

۶. سودگرایی ترجیح نیز هرچند که از مزایایی برخوردار است و برخی از نواقص قرائت‌های دیگر سودگرایی را ندارد امام خود باز مشکلات دیگری را پدید آورد.

۷. رعایت منشور اخلاقی جهانی سازمان که عبارتند از: ۱. اصل امانت ۲. اصل مالکیت ۳. اصل اعتبار ۴. اصل شفافیت ۵. اصل منزلت ۶. اصل انصاف ۷. اصل شهروندی و ۸. اصل حساسیت، با تعهد به نظام اخلاقی سودگرایانه ناسازگار است یعنی نمی‌توان هم معتقد به نظام اخلاقی سودگرایانه و به تعبیری سرمایه‌داری بود و هم اعتقاد به ارزش و رعایت منشور اخلاقی جهانی سازمان.

فهرست منابع

۱. هولمز، رابرت. ال، (۱۳۸۵)؛ مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه؛ مسعود علیا، تهران، ققنوس.
۲. فرانکنا، ویلیام. کی. (۱۳۸۰)؛ فلسفه اخلاق، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران، انتشارات حکمت.
۳. پالمز، مایکل، (۱۳۸۵)؛ مسائل اخلاقی، ترجمه: علی‌رضا آل‌بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. خنیفر، حسین و مقیمی، سیدمحمد، درآمدی بر فلسفه اخلاق در سازمان (مطالعه موردی: منشورهای اخلاقی)، در: مجله علمی - پژوهشی مطالعات فلسفی و کلامی، دانشگاه قم، سال یازدهم، ش اول، پاییز ۱۳۸۸
۵. نلر، جی. اف، (۱۳۷۷)؛ آشنایی با فلسفه، ترجمه: فریدون بازرگان، تهران، سمت.
6. Buier, Kurt, the Moral Point of View, Ithuca, NY: cornell university press 1958
7. Bentham. Jeremy, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, eds, J.H.Burns and H.L.A.Hart, London. NewYork: Methuen, 1982
8. IFGH (2006) Austrian Institute for small Business Research:support services for micro, small and sole proprietor s Business country fich ° united kingdom, Vienna, The Eropean Commission.
9. Lorenz k. (1993) on aggression, copyright(e) by Dr. G. Bosotha schoelar verlag, Vienna, in megargee E and Hokonsen, The Dynamics of Aggression Harjper & Row, & psychology Review Vol, No6.
- 10.Mill, John Stuart, Utilitarianism, Liberty and Representative Government, with and Introduction by A.D.Lindsay, London. J M dent & Sons, 1948
- 11.Norman Richard, the Moral, Philosophers (An Introduction to Ethics) oxford university press, 1998
- 12..Paine, lynn& Deshapande, Rohit & Margolis, joshaa. D. & Bettche, kim Eric (2005) up to code Does your company s conduct: meet word ° class standards?,Asian Journal of Marketing 11, no. 1 (2005)
- Stewart, Noel, Ethics, An Introduction to Moral Philosophy, UK, policy press, 2009.